



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

## فصل نوزدهم

### متی ۱۹

- ۱: هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رسانید، جلیل را ترک گفت و از آن سوی رود اردن به نواحی یهودیه آمد.
- ۲: جمعیت انبوهی در پی او روانه شدند و او ایشان را در آنجا شفا بخشید.
- ۳: فریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند. آنان پرسیدند: «آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟»
- ۴: عیسی در پاسخ گفت: «مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز "ایشان را مرد و زن آفرید"، و گفت "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد"؟»
- ۶: بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد.»
- ۷: به وی گفتند: «پس چرا موسی امر فرمود که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟»
- ۸: ایشان را گفت: «موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید، اما در آغاز چنین نبود.
- ۹: به شما می گویم، هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است.»

عیسی کماکان مشغول شفای مردم بود که "فریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند". می بینند، ولی نمی فهمند. برای ما ممکن است عجیب بنظر آید که کسی شفا را ببیند و نفهمد چه شد. اما عیسی بارها بمان نشان می دهد که افرادی این چنین در میان ما هستند. مذهبیشان را به رخ می کشند تا اشکالی در مکتب شما پیدا کنند. اشاره کردند به آنچه در تثنیه ۲۴ راجع به طلاق گفته، "«آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟»" (۱). خدا در ملاکی ۲: ۱۶ می گوید، "یهوه خدای اسرائیل می فرماید: «من از طلاق نفرت دارم، و از آن که جامه اش را به خشونت می پوشاند. پس مراقب روحهای خود باشید و خیانت مورزید؛» این است فرموده خداوند لشکرها". البته فریسیان تفسیرشان از آنچه نوشته شده صحیح نبود. عیسی در پاسخ گفت: "«مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز "ایشان را مرد و زن آفرید". و گفت "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد"». توجه داشته باشید در جواب عیسی می گوید، "مگر نخوانده اید"، یعنی همان کلامی که به آن اشاره می کنید. همچنین، صحبت از ازدواج های همجنس و یا چندهمسری نکرده و در مکتب خدا نیست.

در خصوص مسائل زناشویی، مطالب بسیاری هست که در کتاب 'حل مسائل زناشویی' و دیگر مراجع می توانید بخوانید و اینجا مقدور نیست اضافه کنم. منظور اینست که اگر ازدواج کرده اید (یا خیال آن را دارید)، هتماً به آنچه خدا در کلامش گفته گوش بدهید، و هر گونه کمک برای انجام آن لازم دارید در دسترس شما هست. بیاد داشته باشید، خجالت کشیدن همان غرور می باشد که خدا از آن متنفر است.

عیسی می گوید "بنابر این، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد". در این قسمت از کلام موضوع ازدواج را روشن می سازد. ازدواج عهدی است ابدی (خدا ابدیست)، که میان سه نفر بسته می شود، زن، شوهر، و خدا. خداست که آن را در آسمان ثبت می نماید. آنکه عهد خدا را می شکند، خدا را بی اهمیت می شمارد، زنا کار شمرده می شود و عاقبت او در دست شیطان خواهد بود. شما دو گناه کار را زیر یک سقف قرار بدهید، دعوا راه خواهد افتاد. هر قدر سعی کنید، نهایتاً زندگی ناکامی را خواهند داشت. اگر دو کودک را با یک اسباب بازی تنها بگذارید، دعوا راه خواهد افتاد. چرا...؟ چون صبر و تحمل ندارند. همین حالا آن را می خواهند. طبیعتشان اینگونه است. در صورتی که مسئله جنبه روحانی دارد، و با معیار های این دنیا سازگار نیست. خدا ما را از این دنیا فانی و محدود، نجات داد تا در ابعاد دراز مدت (عمر جاودانی) زندگی کنیم، و پیوسته در حال رشد خواست خدا در زندگی زناشویی خود باشیم. آنچه می کاریم، میوه آن را بدست خواهیم آورد. حواسمان باید متوجه این حقیقت باشد، اگر نباشد، یقیناً آنچه ساده تر و آسان است را انتخاب خواهیم کرد (ابعاد احساس و افکار از جلال افتاده). جلال دادن به خدا (روح القدس که در خود دارید)، جلال را به خود شما نیز می دهد (چون در شما ساکن است).

زندگی زناشویی را خدا پایه ریزی می کند، هدایت می کند، و آن را مانند الماسی در میان مردم می درخشاند. اگر شما چنین شهادتی دارید، آن را بدرخشانید. خدا کار عظیمی در شما کرده.

"به وی گفتند: «پس چرا موسی امر فرمود که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟» (۷). می خواهند بدانند چرا لازم است در زندگی زناشویی ماند. درک نکرده اند که خدا معیار خود را در زندگی زناشویی بیان کرده، و یار لازم را (روح القدس و کلیسا) در اختیارشان گذاشته تا خواست او را بتوانند انجام رسانند. ما مسیحیان نیستیم که زندگی خود را (چه مجرد یا مزدوج) در دست می گیریم (۲). خداست که از طریق روح القدس و کلامش که در ما هست (آنچه ابتدا باعث ایمان شد، و آنچه بعداً اضافه گردید)، ما را تغییر داده، و کماکان در کار است. اما، فرق عمده، عیسی می گوید، "آن دو یک تن خواهند شد".

"یکتن" یعنی چه...؟ یعنی با کمک روح القدس و کلامش آن دو چگونه تغییر خواهند نمود، که یار وفادار زندگی یکدیگر خواهند گردید. عیسی قبلاً گفته بود، تا دگرگون نشوید به پادشاهی راه نمی یابید.

زندگی زناشویی خدا را خود در آسمان ثبت می کند، و به این شکل به همه نشان می دهد (عروسی) که این ازدواج را خدا بنا می سازد. خدا می خواهد از طریق زندگی زناشویی ما، نشان بدهد که چرا مخالف طلاق است و چگونه ما را یکتن می سازد. در قدیم، مرد با زنی ازدواج می کرد که تابحال ندیده بود. در آن زمان طلاق به ندرت صورت می گرفت و یکتن به سادگی انجام می گرفت. حال، روح همانست و کلام، اما کمتر کسی هست که کمک کند زندگی زناشویی بر طبق کلام استوار باشد. کلام را باز کنید، محور تنگ و باریک را نگاه دارید، خدا کارش را انجام خواهد داد (زمینه سازی برای کار روح القدس حیاتی است).

البته عیسی طلاق را کلاً رد نکرد. می گوید، "موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید، اما در آغاز چنین نبود" (۳). توجه کنید، می گوید "به سبب سختدلی شما". تنها دلیل مسائل زناشویی همان "سختدلی" می باشد. روح القدس در دل گوشتی جای می گیرد. اما بخاطر نادانی مردم، ازدواج ها میان سختدل و گوشتدل (و بعکس) انجام می گیرد و پیامد ها (بجای آنکه کمال شادی بی انگارند) همه ناگوار می شوند و به طلاق دادن ها می انجامند.

عیسی می گوید، "هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است". طلاق تنها در صورت زنا (خیانت) امکان پذیر است. منظور، اهمیتی است که خدا

به ازدواج خود می دهد. اوست که در میان عموم، آن را شاهد، پایه ریزی، و ثبت می نماید. اگر ایماندار هستید و ازدواج کرده اید، خدا به "یکتن" شدن شما اهمیت زیادی می دهد. اگر مسئله ای پیش آید، کمال شادی بینگارید، چون عیسی زمینه را برای آموزش موضوع دیگری (مسئله) فراهم ساخته. نتیجه بهشتی را می خواهد در شما پدید آورد (نادیده نگیرید). عیسی همیشه زمینه آنچه می خواست بیاموزد را قبلاً فراهم می ساخت (زمین را آماده کشت پیام خدا می ساخت). مسائل فرزندان خدا همه زمینه بر آوردن میوه خداست. همه مسائل فرزند خدا یک هدف دارند، میوه خدا. و خوب می دانیم که میوه خداست (از صلیب بر خاسته) که ممد (حافظ) جان ماست. به همین منظور عیسی جانش را برای ما داد. دنیا عیسی را بر صلیب خود می بیند. کلیسا (ایرانی و آمریکائی) نیز، روح القدس که همان خداست را در وجود خود شناسائی نکرده است. روح القدس مجری کلام خداست. اگر عیسی را هنوز بالای صلیب می بینید، او را نیافته اید. او نیامد شریعت خدا را رد کند، بکه "تحققشان بخشم" (۵: ۱۷). عیسی آمد تا انسان را خداشناس کند. خدا می گوید، "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهایش را فراموش مکن!" (مزور ۱۰۳: ۲). درست است که پایداری و استقامت شما را لازم خواهد داشت (البته بستگی به نوع مسئله زناشوئی)، اما می گوید 'به نفع شماست'!

#### متی ۱۹

۱۰: شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است،

پس ازدواج نکردن بهتر است!»

۱۱: عیسی گفت: «همه نمی توانند این کلام را بپذیرند،

مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد.

۱۲: زیرا بعضی خواجه اند، از آن رو که از شکم مادر چنین متولد شده اند؛

بعضی دیگر به دست مردم مقطوع النسل گشته اند؛

و برخی نیز به خاطر پادشاهی آسمان از ازدواج چشم می پوشند.

هر که می تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند».

همه فکر می کنند زندگی زناشوئی بدون طلاق امکان پذیر نیست! "شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است، پس ازدواج نکردن بهتر است!»". فرق میان دل گوستی و دل سنگی را می بینید؟ تنها روح القدس می تواند دل سنگی را به دل گوستی تبدیل نماید، اما...، در صورتی که بخواهند، بگویند و بجوبند ("همه نمی توانند این کلام را بپذیرند"). تغییر خداگانه را روح القدس انجام می رساند، اما در صورتی که کلامش استفاده شود، نه برداشت و تفسیر ما. اعتباری که کلام خدا دارد بیشتر از حرفی است که ما می زنیم. همچنین یادتان باشد که روح القدس تنها از کلامش استفاده می کند. هر فرزند خدا باید از کلام الهام گرفته، آنگونه که خدا می خواهد رفتار نماید (و یک یا دو نفر همفکر دیگر باید به او کمک کنند). عیسی از این فرصت استفاده کرد تا جنبه اجتماعی ازدواج را بیاموزد. "همه نمی توانند این کلام را بپذیرند، مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد". منظور کسانی هستند که یا عطیه تجرد را دارند و یا به خاطر شرایط محیط زندگی دچار اشکالات جنسی شده اند. اما می گوید، "و برخی نیز به خاطر پادشاهی آسمان از ازدواج چشم می پوشند". منظور خدا همیشه ساختن پادشاهی خداست.

"پادشاهی" یعنی چه .....؟ یعنی حاکم بر زندگی. این کار را چگونه انجام می دهد .....؟! ابتدا گناهان را بکلی می آمرزد (آزاد از بند شیطان)، و سپس با کلامش و روح القدس که درون دل است، هر چه آثار شیطان هست را پاک کرده آن نوری که بالای تپه می درخشد را بوجود می آورد. معجزه خداست در دنیا. "هر که می تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند". زمانی که فرزند خدا کلام را تجربه می کند، بیشتر می خواهد از خدا برداشت کند. آن نیز همان روح القدس است که تشنگی برداشت از خدا را ایجاد می سازد. همه این مسائل و مشکلات فرزندان خدا از بکار نبردن روح القدس در وجودشان سرچشمه می گیرد (عیسی هنوز بالای صلیبش مانده). خدا می گوید در زمانی که با مسئله ای روبرو می شوید، آن را لعنت زندگی نشمارید..! آن را امکانی برای برداشت از خزانه بینهایت خدا بشمارید. مورد دیگری که میان می آید، خجالت فرزندان از اعتراف به اشکالی است که در خود دارند. فراموش کرده اند که ابتدا همان نیازشان به خدا بود که باعث ایمان آوردنشان شد. شما آنچه از قدیم بود را به آنچه تازه شنیدید ترجیه دادید. حال خدا می خواهد آن نیاز را (و هر چه دیگر هست) از خودش پر کند. اما بسیاری خجالت می کشند.

اینجا بحث مهمی که در رابطه با خجالت پیش می آید را نباید نادیده گرفت. پنهان کاری از همان آغاز شروع می شود (چون اعتبار شما تازه دارد پیریزی می شود). در این زمینه مطالعه باید کرد و از تجربیات همدیگر استفاده نمود. اما آنچه معلام است اینست که در خدا خجالت نیست و بر عکس غیرت است که ایجاد می گردد.

#### متی ۱۹

۱۳: آنگاه مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنان دست بگذارد و دعا کند.

اما شاگردان مردم را سرزنش کردند.

۱۴: عیسی گفت:

«بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را باز مدارید،

زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است».

۱۵: پس بر آنان دست نهاد و از آنجا رفت.

در ادامه به سخنانش بود که "مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنان دست بگذارد و دعا کند. اما شاگردان مردم را سرزنش کردند". اینجا عیسی از فرصت استفاده کرد تا درسی را آموزش دهد (زمینه سازی). می گوید، "بگذارید کودکان نزد من آیند" و "زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است". "کودکان" چه کسانی هستند...؟ نوایمانان هستند که می خواهند نزد عیسی بیایند (البته کودکان را نیز بخاطر شناخت کمی که از شیطنت جامعه دارند را می پذیرفت). اما جلوی جویندگان را کوهی از مشکلات گرفته. کوه را تنها خدا می تواند از میان راه بردارد. می گوید، "ایشان را باز مدارید". نگذارید سوال های روحانی که دارند بدون پاسخ از کلام (و بدور از عیسی) بر جای بمانند. هر یک از این تردید های روحانی در خدا، سد معبری هستند (مانند این افراد) که نمی گذارند آنچه شما می گوئید را دریافت کنند. پیام باید وارد دل بشود تا دریافت شود (تنها افکار نیست که باید تغییر کند). اما دل آنچه می خواهد را نمی تواند دریافت کند چون نمی داند چکار باید بکند. کسی نیست جز عیسی که به او کمک کند. اینجا است که پای کشیش، شیخ، مشاور مسیحی، خادم، به صحنه جنگ روحانی خوانده می شوند. این خادمین تنها نیستند، مجموعی از خادمین کلیسا هستند که ضمانت محفوظ داشتن اطلاعات اعضا را می کنند. همه می دانیم که پیام رساندن به یک نفر احتیاج

دارد، اما تجربه کلام به دو یا سه نفر. در نتیجه، اگر کلیسا قرار است رشد کند (آنچه ناچیز است را بالا ببرد)، لازم است همان اندازه که پیام را می‌رساند، همانقدر نیز پیامش در اعضا انجام شود. آیاتی را که تفسیر می‌کنید، به اعضا خود بدهید تا نظرشان را بنویسند و برایتان بفرستند. اینگونه خود را متکی به پیام نشان می‌دهید، و همچنین برداشت اعضا را خواهید سنجید(۴). منظور برداشتن موانع راه رشد روحانی اعضا است.

## متی ۱۹

۱۶: روزی مردی نزد عیسی آمد و پرسید:

«استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟»

۱۷: پاسخ داد: «چرا درباره کار نیکو از من سؤال می‌کنی؟

تنها یکی هست که نیکوست.

اگر می‌خواهی به حیات راه یابی، احکام را به جای آور.»

۱۸: آن مرد پرسید: «کدام احکام را؟»

عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،

۱۹: پدر و مادر خود را گرامی دار،» و «همسایه ات را همچون خویشتن محبت نما».

۲۰: آن جوان گفت: «همه این احکام را به جای آورده‌ام؛ دیگر چه کم دارم؟»

۲۱: عیسی پاسخ داد: «اگر می‌خواهی کامل شوی، برو و آنچه داری بفروش

و به فقیران بده که در آسمان گنج خواهی داشت.

آنگاه بیا و از من پیروی کن.»

۲۲: جوان چون این را شنید، اندوهگین شد

و از آنجا رفت، زیرا ثروت بسیار داشت.

مذهبیون می‌خواهند بدانند بالاخره چطور می‌رسیم به مقصد؟ "استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟" با کارشان می‌خواهند لطف خدا را بخرند. متوجه شدید عیسی را "نیکو" می‌خواند. بله مذهب، روحانیت، شفا، نیکویی، و هر چه بخواهید را نیز دارد. حتی نام خدا را نیز دارند و می‌پرستند. اما فرق چیست...؟ فرق در میوه آورده می‌باشد. انسان ممکن است کسی را گول بزند، اما خدا را نه. احکام مذاهب بسیارند. من خود از دویست جلد کتاب مربوط به یک مذهب خبر دارم. عیسی خود تعدادی از احکام را نام برد (۱۸-۱۹). و آن جوان گفت، "همه این احکام را به جای آورده‌ام؛ دیگر چه کم دارم؟". قافل از آنکه عیسی به دل می‌نگرد نه به ظاهر. می‌گوید، "برو و آنچه داری بفروش و به فقیران بده که در آسمان گنج خواهی داشت". دو نتیجه از آن می‌گیریم، یکی پول و ثروت این دنیاست و دیگری راست گفتن به خدا است.

خدا می‌داند در دل ما چیست، اما می‌خواهد هر چه هست را از خود ما بشنود. در مصاحبت با روح القدس (درد دل با خدا) است که حقیقت دل ما آشکار می‌گردد (حتی برای خودمان). خدا برای همین روح القدس را داد، تا از شر مذهب خلاص شده به خدای زنده بپیوندیم. و متأسفانه، "جوان چون این را شنید، اندوهگین شد و از آنجا رفت،".

### متی ۱۹

۲۳: آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت:

«آمین، به شما می گویم،

راه یافتن ثروتمندان به پادشاهی آسمان بس دشوار است».

۲۴: باز تأکید می کنم

که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است

از راهیابی شخص ثروتمند به پادشاهی خدا».

۲۵: شاگردان با شنیدن این مطلب بسیار شگفت زده شدند و پرسیدند:

«پس چه کسی می تواند نجات یابد؟»

۲۶: عیسی بدیشان چشم دوخت و گفت:

«این برای انسان نا ممکن است، اما برای خدا همه چیز ممکن است».

در این قسمت دوباره می بینیم که عیسی از هر چه پیش میامد استفاده می کرد تا جنبه روحانی خدا را به مردم و شاگردانش نشان دهد. پس از آنکه آن ثروتمند از عیسی جدا شد، دیدگاه انسان و خدا را نسبت به پول و مال دنیا نشان داد. "گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از راهیابی شخص ثروتمند به پادشاهی خدا". آیا عیسی مخالف پول داشتن است...؟ البته خیر! اما منظور متکی بودن به آن است. اگر بخواهید جانتان را حفظ کنید، بیمه عمر نخرید، اما وارثان خود را اعلام بنمائید. آنچه مال عیسی است را به عیسی بدهید.

### متی ۱۹

۲۷: پطرس گفت: «اینک ما همه چیز را ترک گفته ایم و از تو پیروی می کنیم.

چه چیزی نصیب ما خواهد شد؟»

۲۸: عیسی به ایشان گفت:

«آمین، به شما می گویم، در جهان نوین،

هنگامی که پسر انسان بر تخت شکوهمند خود بنشیند،

شما نیز که از من پیروی کرده اید،

بر دوازده تخت خواهید نشست

و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهید کرد.

۲۹: و هر که به خاطر نام من

خانه یا برادر یا خواهر یا پدر یا مادر یا فرزند یا املاک خود را ترک کرده باشد،

صد برابر خواهد یافت و حیات جاویدان را به دست خواهد آورد.

۳۰: اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند شد،

و آخرینها اولین!



پطرس می گوید، "اینک ما همه چیز را ترک گفته ایم و از تو پیروی می کنیم. چه چیزی نصیب ما خواهد شد؟" سوال بسیار بجائی است. باید سوالات خود را به زبان آوریم. اگر خجالتی در کار است، صد معبر شیطان است. جواب سوالات اگر بدست آید، قدم بزرگی در پیشبرد مقاصد خدا در شماس است. صد معبر دیگر، ترس است. همه باید دانسته باشیم که در خدا ترس نیست. یعنی ترس اگر باشد، نشانه وجود شیطان است. خدا نمی خواهد بترسید از آنکه ممکن است چه شود، شک و تردید و یا سوالاتی که دارید را با غیرت مسیح ابراز بنمائید. عیسی کلیسا را برای حل تمام مشکلات انسان بنا کرد.

عیسی در جواب گفت، "شما نیز که از من پیروی کرده اید، بر دوازده تخت خواهید نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهید کرد". ما خادمین او انضبات تخت خدا را خواهیم داشت. خادمین کلیسا هستند که در این دنیا پرورش خود را برای این کار بدست می آورند. منظور اینست که زندگی روحانی ما تنها در این دنیا رایج نخواهد بود، بلکه پله ایست به دنیای برتر. و چون خدا بی نهایت است، ما نباید خود را محدود به این زمان سازیم. ما خدائی را می پرستیم که هیچ محدودیتی در نیکوئی او نیست. زندگی ما ابدیست. همانگونه که او را امروز بیش از دیروز می پرستیم، در آینده بجائی خواهیم رسید که فقط می توانیم بگوئیم خدا را شکر، خدا را شکر.

### فهرست زیر نویس های فصل نوزدهم

(۱) در خصوص طلاق، به <http://www.moshaveremasihi.com/Guest-Book.html> و دکمه 'مشاوره طلاق' رجوع نمائید.

(۲) اول قرن نهم: ۶: ۱۹ و ۲۰ می گوید، "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماس است و او را از خدا یافته اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.

(۳) در خصوص ازدواج دوباره، به <http://www.moshaveremasihi.com/Guest-Book.html> و دکمه ازدواج دوباره رجوع نمائید.

(۴) نمونه از استفاده کلام برای سنجش برداشت اعضا در کلیسا.

### اول قرن نهم

۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. ۱..... مناسب بشر یعنی چه؟

و خدا امین است؛ ۲..... منظور از امین چیست؟

او اجازه نمی دهد ۳..... به چه کسی اجازه نمی دهد؟

بیش از توان خود آزموده شوید، ۴..... آزموده یعنی چه؟

بلکه همراه آزمایش ۵..... منظور از همراه چیست؟

راه گریزی نیز فراهم می سازد ۶..... راه گریز کدام است؟

تا تاب تحملش را داشته باشید. ۷..... تاب تحمل

\* این آیه را به زبان خود کوتاه تفسیر کنید.

\* این آیه چه ربطی به شما دارند؟

\* چیست که به شما ربط دارد؟

## برداشت های خود را بگونه زیر یادداشت کنید

یوحنا ۱۷

(سوالات نمونه می باشند)

۱۷: آنان را در حقیقت ۱ ... حقیقت را چگونه می توان شناخت؟

تقدیس کن؛ ۲ ... تقدیس یعنی چه؟

کلام تو حقیقت است ۳ ... کلام چگونه به تقدیس می انجامد؟

۴. آیه را به زبان خود کوتاه تفسیر کنید.

۵. این آیه چه ربطی با شما دارد؟

۶. چیست که به شما ربط دارد؟

یوحنا ۱۷: ۱۷

۱. حقیقت تنها در کلام خداست. اما برداشت از کلام برای همه یکی نیست. روح القدس درون هر ایماندار است که باید جوابگو باشد، و تا زمانی که دریافت نشده نباید دست کشید. ۷ X ۷ ما را اینگونه نیز هدایت می کند.
۲. خدا خودش می فرماید من قدوس، قدوس، قدوسم، و در نتیجه ما باید تقدیس، تقدیس، تقدیس بشویم. اما راه تقدیس شدن به ما سپرده نشده. ما دربان خدا نیستیم. اگر مطابق با آنچه خدا در کلامش گفته پیش برویم، و از فرایض و مکاتب انسانی خود را بدور بداریم، آنوقت میتوانیم اطمینان داشته باشیم که خواست خدا را انجام داده ایم. اما این کار معمولاً نیاز به کمک و پیگیری خادمین دارد.
۳. مزمور ۱۱۹: ۱۰۵ "کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است". راه همان لحظات زندگی روزانه است. پس کلام است که هر لحظه راه را نشان می دهد. اما برداشت از کلام را باید در دست روح القدس که درون ایماندار است بسپاریم.
۴. این دعای عیسی مسیح است برای کسانی که ایمان می آورند. می خواهد پدر آنها را مانند خودش قدوس نماید. و کلام را پایه و اساس حقیقت می نامد.
۵. البته که با من ربط دارد. کیست که نخواهد از طریق خدا تقدیس بشود. اگر کسی باشد که بتواند مرا در این راه کمک کند، بسیار متشکر می شوم.
۶. موضوع من رابطه جنسی است. من به جانبی کشیده شده ام که اصلاً دوست ندارم، ولی نمی دانم چطور از دستش رها شوم.